

اساس کمونیسیم و سوسیالیسیم انسان است

کاظم نیکخواه ، صفحه ۲



جای خدا در بیانیه های سیاسی نیست، صحبتی با معلمان

اصغر کریمی، صفحه ۵

کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری

شهادت دانشفر، صفحه ۶

جایگاه مبارزه بازنشستگان، تلاش مذبحخانه مزدوران سرمایه

یاشار سهندی، صفحه ۷

همبستگی های کارگری با کارگران معدن سونگون و آخرین وضعیت اعتراضات این کارگران

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری، صفحه ۱۰

گزارشی از فرهاد رسایی از تجمع دامداران در مقابل مجلس

صفحه ۴

بازداشت و حکم بی شرمانه و وقیحانه شلاق مادران آبان محکوم است!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، صفحه ۹

همبستگی های بین المللی کارگری با معلمان دربند و کارگران زندانی

کمیته برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۱

گزارش از وضعیت واله زمانی کارگر زندانی

به نقل از مدیای اجتماعی، صفحات ۱۲ و ۱۳

کارگر کمونیسیت

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۳۷

۳ مرداد ۱۴۰۱

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

بازداشت شدگان معدن مس سونگون باید فوراً آزاد شوند

صفحه ۸

۲۹ تیر: ادامه اعتراضات بازنشستگان در شوش، اهواز، شوشتر، بهبهان

صفحه ۹

آخرین اخبار از معلمان دربند و از کارزارها

کمیته برای آزادی کارگران

زندانی، صفحه ۱۱

بیانیه سندیکای واحد در مورد کارگران و معلمان زندانی

از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۳

از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۴-۱۶



اساس کمونیسم و سوسیالیسم انسان است کازم نیکخواه

یک دستاورد و گام تاریخی و اساسی حزب کمونیست کارگری بازگرداندن انسان به مرکز کمونیسم و سوسیالیسم است. محور کمونیسم مارکس از ابتدا تا انتها انسان است. اما به مرور زمان و زیر فشار گرایشات مختلف بویژه گرایش ناسیونالیسم و ضد امپریالیسم ارتجاعی، انسان و انسانیت در کمونیسم موجود کمرنگ میشود و بتدریج رنگ میبازد. منصور حکمت جمله تاریخی ای را زمانی در سخنانش بیان کرد و گفت "اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم بازگرداندن منزلت و اختیار به انسان است." این جمله کوتاه مشخصه اصلی کمونیسم کارگری و کمونیسم مارکس را بخوبی بیان میکند. در تفکر چپ غیر کارگری انسان کلا غایب است. به بهانه کارگر، تحت لوای ملت و خلق و مقابله با امپریالیسم و خاک و تمامیت ارضی و حتی به بهانه طبقاتی بودن جامعه و اینها، انسان، حقوق انسانی و کلا رهایی انسانی حاشیه ای میشود و کنار میرود. چپ ناسیونالیستی کلا انسان را کنار میگذازد و فراموش میکند. آزادی انسانها، رفاه انسانی، منزلت و امنیت انسانها مطلقا در میان کمونیستها و چپهای قرن بیستمی بعد از انقلاب اکتر جایی ندارد. یا اگر دقیقتر بخواهیم بگوییم یک امر حاشیه ای و دست دوم است. تا حدی که وقتی حزب کمونیست کارگری از جامعه انسانی و انقلاب انسانی و حکومت انسانی سخن میگوید، بسیاری جریانات و افرادی که خود را مارکسیست و کمونیست میخوانند، بر افروخته میشوند و با خشم فکر میکنند که زیر پای کمونیسم دارد با این بحثها خالی میشود! واقعا جالب نیست؟ کسی کمونیست باشد و فکر کند که شعار جامعه انسانی و انقلاب انسانی زیرآب کمونیسم را میزند؟! این نکته جالبی است که امروز "انسان" و جامعه انسانی به خط فاصل کمونیسم کارگری با جریانات چپ غیر اجتماعی و غیر کارگری تبدیل شده است. و این از نظر من مثبت و مهم است. این فقط یک تمایز فکری نیست. یک تمایز

سیاسی و طبقاتی و جنبشی است. امروز در ایران یک جریان و فقط یک جریان کمونیستی بدون هیچ تردیدی از محور بودن انسان و منافع انسانها دفاع میکند و کل چپ غیر کارگری آشکارا با این تعبیر و جهت گیری مخالف است. کمونیسم کارگری از نظر ما یعنی کمونیسم انسانی. یعنی دفاع از انسان و جامعه انسانی. یعنی تلاش برای بازگرداندن اختیار، آزادی و منزلت و رفاه به انسان. به تک تک انسانها. ما بدون هیچ تردیدی این را خط و سیاست خود میدانیم و در این جهت تلاش میکنیم و این را نوآوری نمیدانیم.

"در تفکر چپ غیر کارگری انسان کلا غایب است. به بهانه کارگر، تحت لوای ملت و خلق و مقابله با امپریالیسم و خاک و تمامیت ارضی و حتی به بهانه طبقاتی بودن جامعه و اینها، انسان، حقوق انسانی و کلا رهایی انسانی حاشیه ای میشود و کنار میرود. چپ ناسیونالیستی کلا انسان را کنار میگذازد و فراموش میکند. آزادی انسانها، رفاه انسانی، منزلت و امنیت انسانها مطلقا در میان کمونیستها و چپهای قرن بیستمی بعد از انقلاب اکتر جایی ندارد. یا اگر دقیقتر بخواهیم بگوییم یک امر حاشیه ای و دست دوم است."

بلکه از نظر ما کمونیسم از اساس چیز دیگری جز این نبوده و نیست. مارکس از جوانی و از ابتدای تحقیقاتش در پی پاسخ به این سوال است که چگونه میتوان جامعه غیر انسانی موجود را انسانی کرد و به رنج انسانها پایان داد. او تا آخر در همین راستا تلاش و تحقیق کرد و منشاء جامعه طبقاتی و سرمایه داری و سود و از خود بیگانگی انسان را نشان داد و بر این اساس نشان داد که طبقه کارگر آن نیرویی است که میتواند با انقلاب خویش انقلاب سوسیالیستی، جامعه را بر قاعده درست خود قرار دهد و انسان را به انسانیت خویش بازگرداند و از تاریخ توحش رها کند. همچنانکه خود میگوید "دیدگاه ماتریالیسم کهن جامعه "مدنی" است. دیدگاه ماتریالیسم نو جامعه انسانی یا انسانیت اجتماعی است" (تزهایی در مورد فونر باخ)

سرمایه داری

اساس سرمایه داری سود است.

جامعه یعنی کارگران، و سود بیشتر برای یک اقلیت بی خاصیت است. بخاطر سود میشود جنگ های ویرانگر و نابود کننده را راه اندازی کرد و صدها هزار میلیونها نفر را به کشتن داد. میشود انسانها را شکنجه و سرکوب و اعدام کرد. میشود مردم را به گرسنگی و بیماری و مرگ محکوم کرد. میشود در حالی که میلیونها نفر محروم و گرسنه اند کالاها و غذاها را زندان ساخت. میتوان فاشیست و جنایتکار شد. و.. میشود دست به هر کاری زد. سرمایه یعنی سود. سود یعنی دزدی از معاش اکثریت مردم تولید کننده توسط یک اقلیت دزد و چپاولگر. این دزدی و چپاولگری یک امر فرای قانون و اتفاقی نیست. بلکه در ماهیت و و ریشه سرمایه داری جای دارد. بدون سود، یعنی بالا کشیدن ارزش اضافه کار کارگر سرمایه معنایی ندارد. نفس همین واقعیت این را تاکید میکند که سیستم سرمایه داری با نفس زندگی انسانی کاملا در تضاد و تناقض قرار دارد. در جامعه سرمایه داری اکثریت مردم از بخش زیادی از مواهب زندگی انسانی از جمله از رفاه، از معیشت کافی، از آزادی از برابری از شادی از امکان ارتباط با اکثر انسانهای دیگر و از منزلت و احترام محروم میشوند. در سرمایه داری کار نه یک فعالیت خلاق و لذت بخش انسانی، بلکه اجباری است برای تامین معاش. برای زنده ماندن باید کار کرد و برای کار کردن باید تن به استثمار داد.

اما همین ماهیت استثمارگرانه سرمایه داری، نقطه ضعف آنرا نیز رقم میزند. در

آنها روشن است که محصول کار کارگران ناست، اکثریت جامعه را که کارگران و مردم کارکن هستند استثمار میکنند و از قبل بالا کشیدن ارزش اضافه کار آنها، مدام ثروت اندوزی میکنند. بعبارت دیگر اکثریت تولید میکنند و اقلیت به جیب میزند. نکته قابل توجه اینست که در این جامعه هرچه کارگران بیشتر تولید میکنند و قدرت تولید خود را بالا میبرند، دشمنان خود را پرور میکنند و خود محروم تر و فقیرتر میشوند. اگر به تجربه خود در جوامع موجود مراجعه کنید این واقعیت را بوضوح مشاهده میکنید. یعنی اینکه کارگر با کار خودش دشمنانش را تقویت میکند. ماهیت چنین جامعه ای با منطق پایه ای جامعه انسانی در تضاد و تناقض است. انسانها تاریخا و اساسا دور هم جمع شده اند که با هم زندگی کنند. حکمت و منطق پایه ای جامعه، پاسخ جمعی به نیازهای انسانی است. اما منطق سرمایه درست عکس اینست. منطق و حکمت سرمایه استثمار اکثریت کارکن

اساس کمونیسم و ...

از صفحه ۳

مذهبی، قبیله ای و جنستی و امثال اینها که در این جامعه مدام باز تولید میشود و به میان کارگران پمپاژ میشود. یعنی کارگران بطور عینی یک طبقه جهانی

انسان اجتماعی و برابر نیست. و اساسا انسان یک موجود اجتماعی است. پاسخ به نیازهای انسانی، تامین و تضمین شادی و رفاه و منزلت و برابری و آزادی همه جانبه انسانها تمام فلسفه سوسیالیسم و کمونیسم است. جامعه انسانی جامعه ای است بدون طبقات، بدون تبعیضات،

”انسانها تاریخا و اساسا دور هم جمع شده اند که با هم زندگی کنند. حکمت و منطق پایه ای جامعه، پاسخ جمعی به نیازهای انسانی است. اما منطق سرمایه درست عکس اینست. منطق و حکمت سرمایه استثمار اکثریت کارکن جامعه یعنی کارگران، و سود بیشتر برای یک اقلیت بی خاصیت است. بخاطر سود میشود جنگ های ویرانگر و نابود کننده را راه اندازی کرد و صدها هزار و میلیونها نفر را به کشتن داد. میشود انسانها را شکنجه و سرکوب و اعدام کرد. میشود مردم را به گرسنگی و بیماری و مرگ محکوم کرد. میشود در حالی که میلیونها نفر محروم و گرسنه اند کالا ها و غذاها را بدریا ریخت. میشود دروغ گفت. میشود زندان ساخت. میتوان فاشیست و جنایتکار شد. و.. میشود دست به هر کاری زد.“

بدون فقر و بدون ستمگر و ستمکش. جامعه انسانی یعنی انسانی که اجتماعی زندگی میکند. زندگی فقط زنده ماندن به هر شکلی نیست. زندگی انسانی یعنی رفاه و شادی و معاش کافی، یعنی امکان و

هستند، اما برای ابراز وجود بعنوان یک طبقه لازم است که به آگاهی طبقاتی دست پیدا کنند. و اینجاست که نقش حزب طبقاتی کارگران اهمیت حیاتی پیدا

”جامعه کمونیستی نفی و ضد جوامع طبقاتی تاکنونی است. کمونیسم یعنی انسان. یعنی جامعه را انسانی کردن. انسانیت اجتماعی که از قول مارکس به آن اشاره کردیم یعنی اینکه جامعه چیزی جز انسان اجتماعی و برابر نیست. و اساسا انسان یک موجود اجتماعی است. پاسخ به نیازهای انسانی، تامین و تضمین شادی و رفاه و منزلت و برابری و آزادی همه جانبه انسانها تمام فلسفه سوسیالیسم و کمونیسم است. جامعه انسانی جامعه ای است بدون طبقات، بدون تبعیضات، بدون فقر و بدون ستمگر و ستمکش. جامعه انسانی یعنی انسانی که اجتماعی زندگی میکند. زندگی فقط زنده ماندن به هر شکلی نیست. زندگی انسانی یعنی رفاه و شادی و معاش کافی، یعنی امکان و آزادی سخن گفتن، فکر کردن، جمع شدن، تصمیم گرفتن و مراوده و ارتباط در موقعیتی برابر با دیگر انسانها.“

آزادی سخن گفتن، فکر کردن، جمع شدن، تصمیم گرفتن و مراوده و ارتباط در موقعیتی برابر با دیگر انسانها.

نکته ای که باید دقت کرد اینست که ماهیت کار نیز در این جامعه کاملا با جامعه طبقاتی متفاوت است. کار در اساس خود یک فعالیت لذت بخش و حیاتی و خلاق انسانی است، و نه اجباری برای تامین معاش. انسان با کار معنا پیدا میکند. انسان بدون کار معنا ندارد. بقول مارکس و انگلس کار انسان را آفرید. اما انسانی که با اجبار معاش کار میکند، در

میکند که در برنامه دیگری در مورد آن صحبت کرده ایم. نکته اصلی که اینجا مد نظر است اینست که طبقه کارگر امکان نفی و نابودی سرمایه داری را بطور بالقوه و عینی دارد و این امکان بالقوه را باید بالفعل کرد.

جامعه انسانی

جامعه کمونیستی نفی و ضد جوامع طبقاتی تاکنونی است. کمونیسم یعنی انسان. یعنی جامعه را انسانی کردن. انسانیت اجتماعی که از قول مارکس به آن اشاره کردیم یعنی اینکه جامعه چیزی جز

واقع از خود بعنوان انسان بیگانه میشود. اینجا انسان کار میکند تا بعد از کار زندگی کند. کارگر موقع کار احساس زندگی کردن ندارد. تمام محاسبه اش اینست که خارج از کار به زندگیش برسد. که آنهم در حدی است که فقط بتواند خودش را برای دور بعدی کار کار در روز بعد آماده کند. نه بیشتر. سرمایه داری امکان دیگری به او نمیدهد. کارگر مدام در خدمت سرمایه است. و این یعنی از زندگی انسانی محروم میشود.

مدافعان سرمایه داری ادعا میکنند که جامعه برابر و آزاد و مرفه یک اتوری و خیالپردازی است. میگویند مدینه فاضله است و امکان پذیر نیست. میگویند باید به همین که هست رضایت داد. میگویند فقر و ثروت جزء طبیعی و جدایی ناپذیر جامعه است. میگویند امروز از دیروز بهتر است. میگویند باید به ثروتمند بودن و ثروتمندتر شدن ثروتمندان کمک کرد تا فقرا نیز کمتر فقیر بمانند. میگویند برابری معنا ندارد و وجود ثروتمند و فقیر جزو تعریف جامعه است.

اینها جوهر استدالات تمام مرتجعین و مدافعان نظامهای کهنه و پوسیده تاریخ است. مدافعان برده داری و زمین داری نیز همین ها را میگفتند. مخالفان حق رای عمومی نیز در قرن گذشته همین را میگفتند. مخالفان حقوق برابر زن و مرد نیز همین نوع استدالات را تحویل مردم میدادند. کنه و جوهر حرف همه آنها اینست که اکثریت مردم باید به استثمار و فقر و بی حقوقی و تحقیر تن دهند. آنها خود را الیت و صاحب جامعه میدانند و از اکثریت مردم انتظار دارند که به امتیازات طبقاتی آنها بدون اعتراض گردن بگذارند و رضایت دهند که آنها بچاپند و اکثریت انسانها با درد و رنج و فقری که حاصل چپاولگری و دزدی و امتیازات آنهاست بسازند. میگویند چاره ای نیست جز اینکه ما ستمگران بر سر امتیازاتمان باقی بمانیم! و اگر منطق بی پایه آنها را نپذیرید، جوابشان زور و سرکوب است. با چنگ و دندان و جنایت و ترور و زندان بر جامعه انسانی چنگ انداخته اند و میخواهند به بردگان خود وانمود کنند که سرنوشت بشر همین است و حاکمیت آنها نتیجه یک



دامداران به این بساط چپاول و غارت است. دامداران قبلا نیز اعتراضات بسیاری داشتند.

در تجمع اعتراضی روز ۲۸ تیر نیروی سرکوب پلیس با دامداران برخورد کرد و معترضین با هو کردن سرکوبگران به تجمع خود ادامه دادند و اعلام کردند که امشب هم به تحصن خود در این محل ادامه خواهند داد.

گزارشی از فرهاد رسایی

همان مقامات حکومتی و یا از نزدیکان آنها هستند با ایجاد کارخانه های مرتبط تمام محصولات دامداران را با قیمت ارزان خریداری می کنند و زندگی این بخش از کارکنان جامعه هر روز بیشتر به تباهی کشیده شده است. بطور مثال تامین اجتماعی یک گاوداری ۱۰ هزار راسی تاسیس کرده و نزدیک به ۶۰ گاوداری بزرگ توسط حکومتی ها در استانهای چپاولگری، دامداران کوچک را بلعیده و نابود کرده است. مشکل بی آبی هم مزید بر همه این مشکلات است. اعتراض

گزارشی از تجمع دامداران در مقابل مجلس

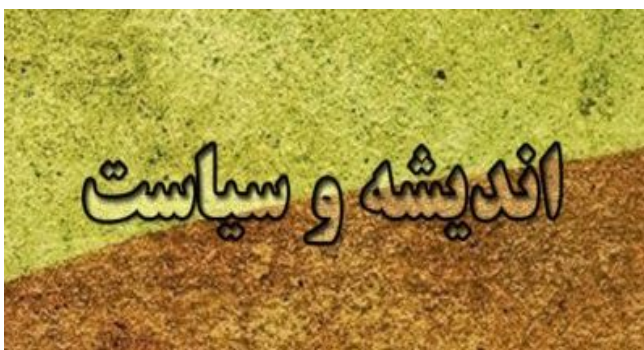
از ساعت هشت صبح روز ۲۸ تیر حدود ۶۰ نفر از دامداران بخاطر مشکلات معیشتی و ورشکستگی در تهران مقابل وزارت جهاد کشاورزی تحصن کردند. این دامداران با هماهنگی سراسری از نقاط مختلف کشور به تهران آمده و پیگیر خواستههایشان هستند. اعتراض آنها به نبود خوراک برای دامها و نابودی دامهایشان است.

ماجرای این قرار است که خوراک دامها در دست شرکتی مافیایی به اسم آریو تجارت است که تعدادی از مقامات حکومتی از مجلس و دولت در آن سهام دارند. این شرکت میلیاردها تومان پول از دامداران گرفته و یکماه است که خوراکی برای دام به آنها نداده و پرورش دام بری آنها پرهزینه شده و بعضا دامهایشان از بین میروند و بسیاری از آنان به مرز ورشکستگی رسیده اند. اگر چه در بهترین حالت درآمدی که بدست می آورند حتی

از حداقل مزد تعیین شده شورایی کار که چند بار زیر خط فقر است، کمتر است. قبلا خوراک دامها در دست شخصی چپاولگر به اسم مدلل بود که با اعتراضات دامداران به شرکت آریو تجارت منتقل شد و عملا جای دزدان عوض شد. یک مشکل دیگر علاوه بر مشکل خوراک دام مشکل فروش گوشت و لبنیات است. اینها نیز در انحصار مافیایی دام قرار دارند و تمام مدیران مربوط به دامداری کشور در صنایع گوشت و لبنیات رخنه کرده اند. از جمله یکی از مسئولین دامداری یک شرکت بزرگ لبنیات تاسیس کرده است. این زد و بندها در گران تمام شدن شیر و ماست نیز تاثیر گذاشته است. و یا یکی از آنان در شرکت فروش گوشت است و با انحصار آن، گوشت دامداران جزء روی دستشان مانده است. به این ترتیب مسئولین دزد دامداری که بسیاری از آنها

اندیشه و سیاست سایت سری پادکاستهای کاظم نیکخواه

<https://andishevasiasat.podbean.com/>



واقعی وجود دارد. و آن کمونیسم و مارکسیسم است. این یک امر تاریخی است که قابل بازپس گرفتن نیست. با این آگاهی ما وارد دوره ای شده ایم که انسان آگاه تلاش میکند سرنوشت خود را خود رقم بزند. و قطعاً خواهد زد.

(توضیح: این نوشته قبلا به صورت یک مقاله منتشر شده است. متن حاضر متن تنظیم شده برای پادکاست میباشد)

رنج ها را دارند، یک گام مهم در خلاصی از این رنج و محرومیت است. و این مهم است که امروز بشریت از نظر تاریخی به جایی رسیده که ریشه های رنج و فقر و نابرابریهای اجتماعی را میشناسد و به آن آگاه است. و نیرویی که میتواند و این امکان را از نظر اجتماعی و اقتصادی دارد که به این رنج پایان بدهد، یعنی طبقه کارگر به جایگاه و نقش خودش آگاه است. این به مفهوم آگاهی تمام بخشهای طبقه کارگر از نقش و جایگاه خود نیست. بلکه به معنای اینست که این آگاهی بطور

از صفحه ۳

اساس کمونیسم و ...

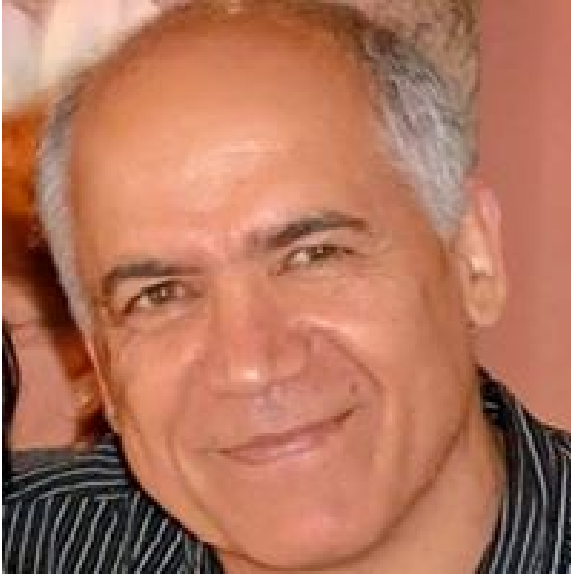
و راه دیگری، راه گام گذاردن و پیش رفتن در مسیر جامعه واقعا انسانی را که هدف و ماهیتش پاسخ به نیازهای انسانهاست را آغاز میکند.

طبعاً چنین تحول عظیم و بی سابقه ای ساده نیست و با موانع جدی ای مواجه خواهد شد. اصلی ترین مانع مقاومت صاحب امتیازهای کنونی یعنی طبقه سرمایه دار است. آنها با پلیس و زندان و شکنجه و ترور و لشکر کشی و سرکوب و همچنین تبلیغات و خرافات و مذهب و تعصبات، تلاش میکنند مانع به میدان آمدن و پیشروی طبقه کارگر و مردم شوند. بهر رو در مورد موانع پیش روی اینچنین تحول عظیم و تاریخ سازی جداگانه باید بحث کرد. اما با دیدن موانع باید راههای کنار زدن آنها را جستجو کرد و نشان داد. نه اینکه به یک سیستم اساساً غیر انسانی و غیر منطقی که به بشریت تحمیل شده رضایت داد.

آگاهی از ریشه های رنج و محرومیت و نیروهایی که امکان ریشه کن کردن این

شرایط طبیعی انسانی است و نه نتیجه تحمیل زور و سرکوب.

سرمایه داری یک سیستم پر از تناقضات مهلک است و بحرانهای مدام عمیق تر و دامنه دارتر میشود. بحران سرمایه داری ناشی از ماهیت آنست و با هیچ اصلاحات و رفرمی نمیتوان این سیستم را از بحرانها نجات داد. بحرانهای اقتصادی مدام به بحرانهای سیاسی و اجتماعی گسترده و عمیقتری منجر میشود و در این بحرانها طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر در برابر هم آشکارا صف آرای میگردند. در بحرانهای اجتماعی و سیاسی، تخصص طبقه کارگر و اکثریت مردم از یک طرف، و مدافعان سیستم و دولت حاکم بیشتر و بیشتر جلوی صحنه می آید و نهایتاً اکثریت مردم با انقلاب اجتماعی برهبری طبقه کارگر میتوانند به نظام غیر عادلانه و غیر انسانی سرمایه داری پایان دهند و جامعه را بر پایه انسانی خویش قرار دهند. انسان از این زمان است که از تاریخ دوره توحش بطور قطع جدا میشود



جای خدا در بیانیه های سیاسی نیست

صحبتی با معلمان

مدتی است که سر و کله خدا در بیانیه های شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان و برخی کانون های صنفی پررنگ شده است. این صرفاً یک کلمه نیست، که همان هم مضر است، بلکه یک یک اشکال بزرگ و یک گرایش است که معلمان را نمایندگی نمیکند. از معلمان انتظار می رود با حساسیت به آن برخورد کنند و آنرا متوقف کنند به چند دلیل:

سعی میکنند اعتراضات را در چهارچوب نظام نگاهدارند. تلاش آنها عملاً یک چراغ سبز به حکومت است. مدتی بود که چنین گرایشی به یمن پیشروی مبارزات معلمان رادیکال و شجاع که نقش مهمی بویژه در یک سال گذشته داشته اند عقب رانده شده بود. صاحبان این گرایش جرات نمیکردند زیاد ابراز وجود کنند. اما با دستگیری صافی از معلمان پیشرو و رادیکال و تشدید سرکوبگری های حکومت، گرایش اصلاح طلبانه در تلاش است تا عرض اندام بیشتری بکند.

بیانیه های معلمان و مشخصاً بیانیه های فراخوان های شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان است که اکثرًا بسیار سیاسی، روشن، هوشمندانه و متحدکننده بوده است. همچنین در اعتراضات شکوهمند معلمان طیف رادیکال معلمان، توده های وسیع معلم را بخوبی نمایندگی کرده و سهم مهمی در گسترش اعتصابات و اعتراضات سراسری و درخشان معلمان داشته اند. در بیانیه ها و سخنرانی های آنها خبری از ایجاد توهم به دم و دستگاه حکومت و برخی مقامات و نهادها نبود، خبری از تاکید بر قوانین حکومت که تماماً بر پایه دشمنی با معلمان نوشته شده است و یا دل بستن به مذاکره در آنها نبود. در دل یک جدال جانانه در کف خیابان معلمان پیشرو و بخش اعظم توده معلمان با شعارهای رادیکال و رزمنده توانستند به صلوات در

اولاً، اینها اطلاعیه شخصی آدم ها نیست. اطلاعیه یک تشکل است و اعضای این تشکل ها عقاید متفاوتی دارند. بعضاً خداپرستند و بعضاً آتئیست و خداناباور. اطلاعیه های یک تشکل باید خواست های اعضای تشکل را نمایندگی کند نه اعتقادات برخی از آنها را. اینکار تفرقه افکنانه است. چه معنی دارد در یک بیانیه سیاسی مذهب را وارد کنیم؟ معلمان در بیانیه هایشان بارها تاکید کرده اند که آموزش نباید ایدئولوژیک باشد اما بنام خدا در اطلاعیه ها ۱۸۰ درجه خلاف آن است. اعتقادات شخصی را وارد بیانیه ها کردن آنها را ایدئولوژیک میکند، تفرقه ایجاد میکند، تصویری عقب مانده از بیانیه های معلمان میدهد و بحال مبارزه معلمان و تصویر مدرن و پیشرو آنها لطمه جدی میزند.

دوماً، گرایشات راست و اصلاح طلبانه حکومتی معمولاً از همین دریچه ها وارد میشوند و با بسم الله و صلوات و غیره

کف خیابان پایان دهند و نگذارند تجمعات و اعتراضاتشان رنگ و بوی مذهبی بخود بگیرد. ولی اکنون به نظر میرسد که حضور گرایش اصلاح طلبانه حکومتی اینجا و آنجا پررنگ تر شده و بنام خدا سرسخن بیانیه هایشان شده است. بنام خدا در بیانیه های آنها رنگ حکومتی به اعتراض معلمان میزند و به شکلی چراغ سبزی به حکومت است که ما سرنگونی طلب نیستیم، علیه کل حکومت نیستیم، معتقد به انقلاب نیستیم و دل به اصلاح سیستم بسته ایم. روشن است که اینها نماینده واقعی معلمان نیستند.

سوماً، در جامعه ای که حکومتی مذهبی سر کار است و به همه چیز با دشنه و اسید و گلوله و زندان و جنایت سعی کرده رنگ مذهبی بزند و بسمه تعالی و بنام خدا را به

مردم تحمیل کند، نباید با آن همراهی کرد. معلمان قرار است پیشتاز جامعه باشند و با مبارزاتشان و با خواسته های رادیکالشان نقش مهمی در پیشبرد اعتراض کل جامعه داشته باشند که تاکنون هم داشته اند. بنام خدا در بالای اطلاعیه ها و فراخوان های تشکل های معلمان درس بدی به جامعه میدهد. و این در شرایطی است که کلیه تشکل های کارگری و بسیاری از تشکل های دیگر مدتها است با خدا و نشانه های مذهبی خداحافظی کرده اند. آنوقت در چنین شرایطی برخی از کسانی که در شورای هماهنگی و یا کانون های صنفی معلمان حضور دارند از موقعیت خود سوء استفاده میکنند. باید جلوییشان را گرفت.

عملکرد سازمان برنامه بودجه

مالی است.

به عنوان مثال؛ سازمان برنامه و بودجه مکلف است برای پرداخت بدهی کلان دولت به صندوق های بازنشستگی تامین اعتبار کند اما تا امروز به بهانه کسری بودجه، از زیر بار این کار شانه خالی کرده است.

نمونه دیگر طرح ساماندهی استخدام و حذف پیمانکاری است که زمستان سال پیش مطرح شد اما تا ۵ تیر امسال به درازا

عملکرد سازمان برنامه و بودجه تا به حال نشان داده که طراحان و برنامه ریزان این سازمان همواره در جهت مخالف منافع کارگران و بازنشستگان گام برمی دارند. سیاست غالب در این سازمان، دست و دلبازی و بریز و پاش برای نهادهای نورچشمی، و در مقابل سختگیری و مانع تراشی برای افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت بوده است و بهانه همیشگی هم کمبود منابع و اعتبار

کشید، و اکنون زرمه های نداشتن منابع مالی برای تصویب آن شروع شده است. همچنین این سازمان همواره از انجام تعهدات انبوه بیمه ای و حمایتی دولت از بیمه شدگان طفره رفته است. بازنشستگان در مسیر مطالبه گری فعال خود باید مخالفان ریز و درشت و شرایط بهتر شدن وضعیت معیشتی را بشناسند، تا در جریان این مطالبه گری فریب وعده و وعیدهای دروغین نهادها و سازمان های مخالف منافع خود را نخورند.

اتحاد بازنشستگان - برگرفته از مدیای اجتماع - برگرفته از مدیای اجتماعی

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande



شهیلا دانشفر

بی حجاب" جانانه در برابر این قشون کشی ها ایستادند و زنان در پناه حمایت های مردمی با حجاب برگریان سراسری در بیست و یکم تیرماه پاسخ محکمی به سرکوبگران حکومت دادند و بیست و یکم تیر ماه را به روزی فراموش نشدنی و تاریخی در جنبش رهایی بخش زن تبدیل کردند.

به این مناسبت علاوه بر جدالی میدانی ما شاهد انتشار بیانیه های حمایتی از سوی تشکلهای و گروههای از کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، و فعالینی اجتماعی در همبستگی با کارزار حجاب بی حجاب بودیم. به این مناسبت هنرمندان با طرحها و کاریکاتوری های زیبایشان هنر آفرینی کردند. هنرمندانی ترانه سرایی کردند و ترانه هایی زیبا خوانده شد و کل جامعه مثل یک ارکستر هماهنگ سرود آزادی سر داد و مقابل تعرض حکومت قد علم کرد. در ادامه چنین تحرک اجتماعی وسیع است که اکنون شاهد استقبال صدها هزار نفره از کارزار اینستاگرامی علیه حجاب اجباری هستیم. و همه اینها تبلوری از صف متحد مبارزاتی مردم در برابر سرکوبگری های حکومت علیه زنان و کل جامعه است که در آن جنبش رهایی زن بیش از

بیش به مرکز ثقل این اتحاد مبارزاتی تبدیل شده است. بدین ترتیب تا همین جا جنبش رهایی زن در یک همگرایی و اتحاد مردمی شکست دیگری بر حکومتیان تحمیل کرد. این را در اظهارات خود حکومتیان و بالا گرفتن بیشتر نزاعهایشان به روشنی میتوان دید. و امروز بیش از پیش حجاب به یک موضوع سیاسی روز در جدال با حکومت آپاراتیاد جنسی تبدیل شده است. حکومتیان در اظهاراتشان حجاب را سنگر اول خوانده اند و میگویند که اگر این سنگر را از دست دهند باقی سنگرها نیز از دست خواهد رفت. با اتحاد مبارزاتی ما میتوانیم و تمامی سنگرها را بدست آوریم. جمهوری اسلامی با کل بساط آپاراتیاد جنسی اش باید به زباله دان تاریخ سپرده شود.

کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری

بطور واقعی ادامه کمپین "حجاب بی حجاب" و روز حجاب برگریان 21 تیر است. در این کارزار طیف های وسیعی از مردم شرکت کردند. یک نمونه آن اعلام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه است که بصورت پیامی در کانال مستقل کارگران هفت تپه درج شده بود.

همانطور که قبلا هم اشاره کردیم کارزار "حجاب بی حجاب" و حجاب برگریان سراسری روز 21 تیر نقطه عطفی در جنبش جنبش علیه حجاب اجباری و علیه بساط آپاراتیاد جنسی حاکم بود. در شرایطی که جامعه از اعتراض میجوشد جمهوری اسلامی در کنار دستگیرها و پرونده سازی ها و تشدید فشار بر روی بخش های مختلف معرض جامعه، هفته "عفاف و حجاب اسلامی" اش را علم کرد و روز 21 تیر را نیز تحت همین عنوان به راه انداخت تا با به میدان آوردن گشت های ارشاد و نیروهای متنوع سرکوبش در فضای پر تحرک اعتراضی جامعه قدرتمایی ای کند و بدین ترتیب تعرضی گسترده علیه زنان و کل جامعه را در دستور گذاشت. اما زنان و مردان معترض و کل جامعه با کارزار "حجاب

"ندای زنان ایران" یک نهاد مدافع حقوق زن طی گزارشی از موفق بودن کارزار اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری و اینکه در زمان کوتاهی توانسته است بیش از ۷۰۰ هزار کاربر را در فضای اینستاگرام با خود همراه کند و اتحاد پرشور و قدرتمندی را در مخالفت با #حجاب_اجباری در مقابل چشم همگان قرار دهد، خبر میدهد. این موفقیت را به دست اندر کاران این کارزار و به جنبش رهایی زن شادباش میگویم. ندان زنان ایران در گزارش خود ضمن قدردانی از همراهی وسیع با آن برگسترش این کارزار تاکید کرده و مینویسد: "از آنجا که بدلیل عمر ۲۴ ساعته استوریها، آمار باکس، پایین می رود. ضمن قدردانی از همه کسانی که در این باکس استوری همراه شدند از همه می خواهیم با براه انداختن طوفانهای استوری با عنوان "در این اتحاد همراه شوید، مخالف حجاب اجباری هستیم" کمپین را تداوم بخشید. فراخوان به جاست و چنین کارزارهایی باید وسیع تکثیر شوند. کارزار "اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری" در بیست و نهم تیرماه آغاز شد و

مرتبط با مساله پوشش اجباری باید آزاد شوند. ما از تمامی حقوق حقه زنان دفاع میکنیم و مطالبات آنان را در راستای رفع هر گونه تبعیض مربوط به جنسیت، جزو مطالبات خود میدانیم.

#نه_به_حجاب_اجباری،

#دستگیرشدگان_باید_فورا_آزاد_شوند.

برگرفته از کانال مستقل کارگران هفت تپه

مخالف_حجاب_اجباری_هستیم

همگام با زنان و مردان جامعه، ما کارگران نیز مخالف #حجاب_اجباری یا هرگونه #پوشش_اجباری هستیم. این حق بدیهی انسان هاست که خودشان پوشش خود را انتخاب کنند. بساط گشت ارشاد و سرکوب و دستگیری باید جمع شود و زنان سرزمین مان باید از حقوق بدیهی انتخاب پوشش برخوردار باشند. دستگیرشدگان

ضمن قدردانی از همه کسانی که در این

باکس استوری همراه شدند از همه می خواهیم با براه انداختن طوفانهای استوری با عنوان "در این اتحاد همراه شوید، مخالف حجاب اجباری هستیم" کمپین را تداوم بخشید.

#نه_به_حجاب_اجباری،

#حجاب_بی_حجاب

#حجاب_نمیخواهیم

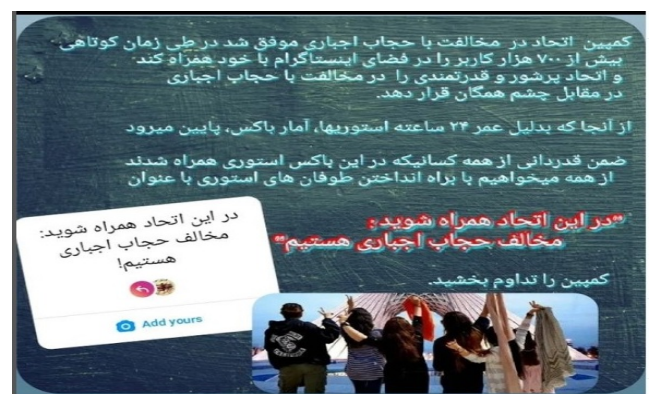
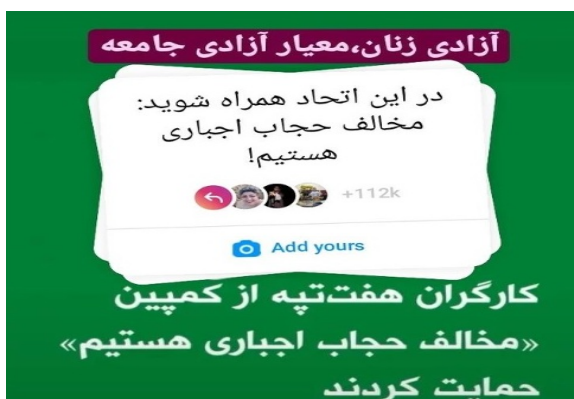
#پوشش_اختیاری

برگرفته از اینستاگرام ندای آزادی زن

کمپینی با صدها هزار همراه

در پین اتحاد در مخالفت با حجاب اجباری موفق شد در طی زمان کوتاهی بیش از ۷۰۰ هزار کاربر را در فضای اینستاگرام با خود همراه کند و اتحاد پرشور و قدرتمندی را در مخالفت با #حجاب_اجباری در مقابل چشم همگان قرار داد.

از آنجا که بدلیل عمر ۲۴ ساعته استوریها، آمار باکس، پایین می رود.



جایگاه مبارزه بازنشستگان، تلاش مذبحخانه مزدوران سرمایه

یاشار سهندی

مبارزه بازنشستگان تامین اجتماعی بر سر افزایش دستمزد در آستانه به ثمر نشستن است. مبارزه بی وقفه بازنشستگان، بخصوص در دو ماه گذشته چنان عرصه را بر حکومت تنگ کرد که در قدم اول مجبور به کنار گذاشتن وزیر کار شدند. در قدم دوم قالیباف این سردار سرکوبگر و فاسد که شهره عام و خاص است، و در طی تجمعات روزانه، بازنشستگان بارها بر همدستی مجلس و شخص قالیباف و دولت رئیسی در یورش به سطح معیشت کارگران با شعار "هم مجلس هم دولت نیستند به فکر ملت" یا "دولت جنایت میکند مجلس حمایت می کند" تاکید کردند، مجبور شد به دولت حکم کند "مصوبه‌ی افزایش مستمری بازنشستگان مغایر با قانون" است و از دولت خواست که این دو مصوبه را "اصلاح" کند.

در این میان نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی، ولی اسماعیلی؛ خواسته از این نمذ کلاهی نصیب خود کند، و مثلاً خود را طرف "مستضعفین" بشناساند؛ عصر 31 تیرماه ذوق زده خبر میدهد که معاون اول رئیسی، مُمخبر (یکی دیگر از غارتگران بنام جمهوری اسلامی است که مستقیماً به فرمان خامنه ای کار میکند) ابلاغ فرمودند که ۳۸ درصد اضافه حقوق اجرایی گردد. ساعتی نگذشت مجبور شد کل خبر را تکذیب کند. در این راستا یک مفت خور دیگر در مجلس به نام "بابایی کارنامی"، مدعی است اگر کسی قرار باشه "درباره موضوع حقوق بازنشستگان اظهار نظر کند من باید اظهار نظر کنم. نمی‌شود که هر کسی از زاویه خود و با اهداف سیاسی از قوانین بهره‌برداری کند." او ادامه داده و میگوید: "متأسفانه برخی از نمایندگان بازی‌های سیاسی برای قوانین در مجلس راه انداخته‌اند. ما نمایندگان اشتباه می‌کنیم که به جای دولت درباره اجرای قوانین و مصوبات اظهار نظر می‌کنیم." در همین خبر کوتاه صفوف آشفته حکومتیان را به روشنی میتوان دید. بهر حال اکنون خبر اینست که ظاهراً دولت ۱۰ روزی مهلت دارد که بررسی

کند که مصوبه اش را اصلاح میکند یا خیر! و بعد، مجلس ببیند اگر دولت این کار را نکرد خود رسماً دستور به باطل بودن مصوبه دولت بدهد. در مصوبه هیات وزیران که موضوع اعتراض بازنشستگان است. به جای افزایش ۳۸ درصدی مزد پایه به اضافه مبلغ ثابت ۵۱۵ هزار تومان، برای "سایر سطوح مزدی" تنها 10 درصد افزایش و برای حق مسکن به جای 650 هزار تومان، مبلغ ثابت 550 هزار تومان در نظر گرفته شده است. اکنون مصوبه مجلس که قالیباف آترا ابلاغ کرده است علیرغم همه ضدو تقیض گویی هایشان یک عقب نشینی بر اثر سمبه پر زور اعتراضات بازنشستگان در مبارزه جمعی شان است.

این وسط یک عده مزدور سرمایه پشت پیام میدهند و از نمایندگان سرمایه در مجلس اسلامی تشکر میکنند. در جریان مبارزات بی وقفه کارگران بازنشسته، تشکیلات سیاه خانه کارگر که به اسم کانون بازنشستگان و تشکل دیگری به عنوان "اتحادیه پیشکسوتان ایران" که مستقیماً زیر نظر چاقوکش معروف، حسن صادقی اداره میشود نیز بیش از پیش بی آبرو شدند. اکنون که مجلس عقب نشسته است، ایشان مدعی شدند که اگر "تلاش مُجدانه" ما نبود اصلاً دست کسی به جای بند نبود! و از مجلس ضد انقلابیون اسلامی تشکر می‌کنند و قربون و صدقه مجلس و نمایندگانی میروند که به قول کسانی مانند محبوب، یک ویرگول شیطنت آمیز در لایحه بودجه گذاشتند و افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی را ۱۰ درصد تعیین کردند. حد اعتراض ایشان که اکنون مدعی همه چیز شدند به همان شیطنت ویرگولی بود. اکنون این مزدوران بسیار وقیح سرمایه، برای خود نوبشه باز میکنند و به همدیگر تبریک می‌گویند. بطور نمونه؛ خانه کارگر قزوین این چنین نکبت خود را به نمایش گذاشته:

"بر خود تکلیف و وظیفه شرعی می‌دانیم از همه کسانی که در این مدت ۴ ماه همه تلاش‌های شبانه روزی، مستمر و اثرگذار خود را انجام دادند و همه وقت و همت خود را صرف نتیجه بخشیدن به این



(میل باطنی خودشان را میگوید!) برگزار گردید (اجباراً) منتج به مذاکره و چانه زنی نمایندگان بازنشستگان (طلایه داران انقلاب اسلامی) شد.

این جماعت خود بهتر از هر کسی میدانند، چیزی که نیستند همین نماینده کارگر و کارگران بازنشسته بودن است. ایشان نماینده چاقوکشان جمهوری اسلامی در "جامعه کارگری" هستند. و در طی مبارزات جاری بازنشستگان تامین اجتماعی، بسیار کوشش کردند که این مبارزات را به کنترل خود درآورند و اسباب چانه زنی جناحی خود سازند، اما موفق نشدند. حسن صادقی عدم موفقیت خود را اینگونه اعتراف میکند: افرادی که او آنها را "سودجو" معرفی میکند: "سعی کردند بر موج احساسات جامعه کارگری کشور سوار شوند تا در شبکه‌های اجتماعی خود، فضای کشور را ملتهب نشان دهند." فضای کشور نه تنها در شبکه‌های اجتماعی، بلکه بطور واقعی در کف خیابان ملتهب است. و زمین، هر روز بیشتر از روز قبل زیر پای مزدوران سرمایه داغ میشود. واقعیت این است که شبکه‌های اجتماعی در خدمت سازماندهی مبارزات کارگران بازنشسته بود. و دست اندرکاران این شبکه‌ها به بهترین نحو از این امکان استفاده کردند و عملاً تشکیلات سیاه خانه کارگر را از سر راه مبارزات کارگران بازنشسته کنار زدند. تلاشهای شبانه روزی ادعایی مزدوران سرمایه، تلاشی بود برای متوقف کردن مبارزات کارگران بازنشسته، که هیچ کدام از دوز و کلک‌های پوسیده شان نگرفت و نهایتاً مجلس اسلامی سرمایه مجبور

موضوع کردند، خصوصاً جناب آقای محبوب دبیرکل محترم خانه کارگر، جناب آقای صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان کشور که حضورشان و اقداماتشان مایه آرامش و قوت قلب برای بازنشستگان است (لا بد با برق تیغه چاقوی دسته زنجانی!) همچنین تلاش‌ها و ریزنی‌های شبانه روزی (بیچاره‌ها)... "بعد هر چه خدم و حشم سرمایه است را نام بردند تا از ایشان "صمیمانه تشکر" نموده باشند. البته برای خالی نبودن عریضه یادشان بوده که از "همه بازنشستگان صبور که در این مدت متحمل آسیب جسمی و فکری شدند" نیز صمیمانه تشکر کنند! اما بازنشستگان در نزد ایشان چه کسانی هستند و چه تعریفی دارند.

حسن صادقی در یادداشتی همه مبارزات بازنشستگان را به جیب خود و کانونهای ضد کارگری واریز کرده و مدعی شده بازنشستگان "طلایه داران انقلاب اسلامی" هستند! حسن صادقی ادامه میدهد: "آستانه تحمل این قشر... به مرز هشدار(رسید) و موجبات اعتراضات آنان را در قالب تجمعات صنفی و خودجوش فراهم آورد. بازنشستگان که نیمی از عمر شریف خود را بدون هیچ توقعی (!) در راه تولید و خدمت به کشور سپری کرده بودند (منظور از تولید استمار شدن است، و منظور از خدمت به کشور سود سرمایه است)، به دور از انصاف بود که در کف خیابان‌ها به دنبال حق و حقوق طبیعی خود باشند." کسی از انصاف می‌گوید که تنها به ضرب چاقوکشی و به یاری شکنجه‌های سربازان گمنام امام زمان توانسته خود را نماینده بازنشسته جا بزند؛ البته "انصاف" حکم میکند که بگویم ایشان نماینده "طلایه داران انقلاب اسلامی" هستند، که رسالت شان سرکوب و باز هم سرکوب کارگران است. این جناب اذعان میکند که ایشان قصد نداشتند در باب آن ویرگول شیطنی کار خاصی بکنند، اما "برگزاری... تجمعات صنفی از سوی بازنشستگان که به صورت جزیره‌ای و پراکنده، (از غیظش مبارزات سراسری و همزمان در شهرهای گوناگون اینگونه تعریف کرده) علی‌رغم میل باطنی آن‌ها



همبستگی ها ادامه دارد. کرده اند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگران بر این همبستگی ها ارج گذاشته و بر حمایت وسیع همه بخش های کارگری از کارگران معترض سونگون و محکوم کردن سرکوبگری ها و تحت فشار گذاشتن حکومت برای آزادی بازداشت شدگان تاکید دارد. ما همچنین بر به میدان آمدن کارگران معترض معدن سونگون و شرکت وسیع خانواده هایشان برای آزادی بازداشت شدگان و تحقق مطالبات پاسخ نگرفته خود که در راس آن افزایش فوری حقوق ها و پایان دادن به قراردادهای برده وار پیمانی است، تاکید میکنیم. و همینطور کارگران در مراکز مختلف کارگری در این استان و مردم منطقه ورزقان و روستاهای اطراف را، که نان آورانیشان و اقوم و خویشان آنها در این معدن شاغل هستند، به حمایت همه جانبه از کارگران معدن سونگون فرامیخوانیم. در برابر سرکوبگری های حکومت باید متحد و سراسری ایستاد. کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۹ تیر ۱۴۰۱

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان عبارتند از: ولی الله محمودی، ارشد کاظمپور، جعفر عباسپور، مهرداد منفرد، خدایی، فرزاد زالی زاده، اسماعیل ایزدخواه، کاظم شاهی، صالح محمدی، محمد محمودی، اسماعیل عبادی، کریم حضرتی، کریم کریمزاده، صالحی و محبوب اسماعیلی از کارگران معدن و حاج زید محمودی برادر یکی از کارگران بازداشتی و همچنین بهنام زارعی روزنامه نگار ساکن ورزقان. هم اکنون فضایی از خشم و اعتراض در میان کارگران حاکم است.

نهادهایی کارگری و اجتماعی از جمله شورای بازنشستگان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران، جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه و چهار نهاد سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی، بازنشستگان صنعت چاپ و بازنشستگان شهاب خودرو طی بیانیه هایی این دستگیری ها را محکوم و خواستار آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان شده اند. این

بازداشت شدگان معدن مس سونگون باید فوراً آزاد شوند

همسان سازی حقوقها و آزادی کارگران بازداشتی خاتمه یافت. اما پس از خاتمه اعتصاب هم تعداد بیشتری از کارگران معترض بازداشت، تعدادی اخراج و تعدادی در لیست اخراج قرار گرفتند. از جمله روز یکشنبه ۲۶ تیرماه مدیریت با بستن کارت تردد حدود ۳۰ نفر از کارگران شاغل در شرکت آهن آجین مانع از ورود آنان به معدن شده است. این کارگران از ۱۵ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند و قراردادهای آنها نیز تمام نشده است. گفتنی است که در روزهای اعتصاب این کارگران، مدیریت تعدادی کارگر جدید از شهرهای دیگر وارد کار کرده بود و بعداً حدود چهل نفری از آنها را سر کار نگاه داشت تا زمینه را برای اخراجها فراهم کند.

از سوی دیگر طی روزهای شنبه ۲۵ و ۲۶ تیر حدود ۱۵ نفر از کارگران معترض از شرکت های پیمانکاری مبین و آهن آجین معدن سونگون توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. این کارگران در روز ۲۴ تیر بصورت تلفنی به اداره اطلاعات احضار شده بودند که پس از مراجعه راهی زندان اهر شدند. بدین ترتیب جهانگیر رضوی مدیر مجتمع و نصر نعمت پور رئیس امور اداری شرکت آهن آجین و علیپور رئیس کارگاه با همکاری نهادهای امنیتی فضایی از دستگیری و اخراج در شرکت را ایجاد

کارگران معدن سونگون چندین ماه است که پیگر مطالباتشان هستند. این کارگران در ادامه اعتراضاتی که داشته اند در روز ۱۴ تیر در شرکت های آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی برای پیگیری خواسته هایشان و در اعتراض به خلف وعده ها و بازداشت دو نفر از همکارانشان دست به اعتصاب زدند و در محوطه معدن تجمع کردند. اما نه فقط به کارگران پاسخی داده نشد بلکه در روز سوم نیروهای یگان ویژه را برای سرکوب کارگران گسیل کردند و دست به دستگیری زدند که شمار بازداشت شدگان به ۷ نفر رسید.

این اعتصاب تا روز هفدهم تیر ادامه داشت. ساعت ۱۱ بامداد هفدهم تیر حسین فتحی مدیرکل اداره کار آذربایجان شرقی به همراه مدیر مجتمع و فرمانده انتظامی منطقه به میان کارگران آمدند و سعی کردند اوضاع را آرام کنند. اما کارگران با اشاره به اظهارات کذب فتحی در شبکه استانی درباره عدم برخورد سرکوبگرانه با کارگران، حاضر به شنیدن صحبت های او نشدند و اعلام کردند که تا وقتی نمایندگان آنها در بازداشت هستند حاضر به مذاکره نیستند.

این اعتصاب در شامگاه شنبه ۱۸ تیرماه و با وعده های مسئولین استان و کارفرمای مجتمع مبنی بر پیگیری مطالبات کارگران از جمله خواست

جایگاه مبارزه بازنشستگان، ...

از صفحه ۷

سر عقل بیابید و " مانع رسیدن این قطار به ایستگاه پایانی خود نشود. " اما حقیقت این است که قطار اعتراضات سراسری کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دادخواهان، کشاورزان، تشنگان و گرسنگان دارد سرعت میگیرد. مبارزه ای که در کف خیابون و با دست خالی مقابل حکومت تا بن دندان مسلح شکل گرفته است و موجی از سر احساسات نیست و گذرا هم نخواهد بود. بلکه در پی خود موجهای دیگری را براه خواهد انداخت. مبارزه بازنشستگان تامین اجتماعی تنها گوشه ای از قدرت اعتراضات جاری است. *

تعرض به معیشتش و برنامه جراحی اقتصادی رئیس بود. کارگران بازنشسته علیه فقر و تبعیض و اختلاس برخاسته اند و این خود باوری دارند که شعار میدهند: حیا کنید، سهم ما را ادا کنید. وقتی بازنشستگان حقوق ملت را زیر عبا نشان میدهند و فریاد مرگ بر این بندگی و بردگی را فریاد میکنند. نشان میدهد در واقع طلب افزایش ۳۸ درصدی بهانه است، اصل نظام نشانه است.

حسن صادقی مدعی شده: " قطار افزایش سایر سطوح حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به ایستگاه پایانی نزدیک شده است... " و اظهار امیدواری کرده دولت

این است که وجود انسانی اش را در جمع می یابد. تلاش جمعی، حضور جمعی، بودن جمعی شاید از خود خواسته اصلاح مستمری حقوق، مهمتر شده است. افزایش ۳۸ درصدی مستمری، با وجود گرانی که هیچ چشم اندازی از فروکش کردن آن نیست، هیچ گوشه ای از زندگی کارگران بازنشسته را بابت تامین مایحتاج حتی ضروری زندگی جواب نمی دهد. این خواسته در واقع اعتراض بازنشسته به

شده، مصوبه دولت را باطل اعلام کند. البته اگر نزاعهای درونی شان اجازه دهد. امری که امثال حسن صادقی را به شدت آزار میدهد این است که کارگر بازنشسته راهش را پیدا کرده است: " فقط کف خیابون بدست میاد حقمون " و نه عجز و لایه کردن در تشکیلاتی با روسایی مانند محجوب و صادقی. در این کف خیابون بودن، آن چیزی که بیشتر جلوه کرده روحیه بازنشستگان است. آنچه مهم بوده،

۲۹ تیر: ادامه اعتراضات بازنشستگان در شوش، اهواز، شوشتر، بهبهان



کرده اند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگان و پایان دادن به اختلاسها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی اسماعیل گرامی بازنشسته زندانی از دیگر خواستهای اعلام شده آنهاست. بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند که نقش مهمی در جلو آوردن خواستهای سراسری همه مردم داشته و توانسته اند با مبارزاتشان بر روی فضای سیاسی کل جامعه تاثیر بگذرند. از مبارزات و خواستهایشان باید وسیع حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ تیر ۱۴۰۱، ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۲

تامین اجتماعی این سازمان بر اساس مصوبه هیئت امنای صندوق سازمان تامین اجتماعی همان افزایش ۳۸ درصدی به اضافه ۵۱۵ هزار تومان برای بازنشستگان سایر سطوح (غیر حداقل بگیران) اجرایی و از ماه آینده اقدام نماید. بازنشستگان میگویند ابراز امیدواری پاسخ نیست. باید مصوبه افزایش ده درصدی حقوقها رسماً لغو شود. بعلاوه اعتراض آنها به یک تعرض معیشتی به زندگی شان است. ضمن اینکه آنها خواستار اجرای کامل همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آنها به بالای خط فقر هستند و در تجمعاتشان با بنرهایی با مضمون "نه به حقوقهای زیر خط فقر هجده میلیونی" خواسته خود را اعلام

اعتراضاتشان تاکید کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "مخبر، رئیسی، قالیباف، حقمون را میگیریم"، "کجای این عدالته، دستش تو جیب ملته"، و "دولت شش کلاسه، همین روزها خلاصه". در بهبهان بازنشستگان راهپیمایی کردند و شعار میدادند: "ما بازنشستگانیم، از یاد رفتگانیم"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم".

در شوشتر بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و شعار میدادند: "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، "وعده زیاد شنیدیم، نتیجه اش را ندیدیم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست".

زیر فشار اعتراضات بازنشستگان مهدی عیسی زاده رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از موافقت قالیباف رئیس مجلس در خصوص افزایش ۳۸ درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به علاوه ۵۱۵ هزار تومان برای سایر سطوح خبر داد. او میگوید: "در این زمینه ریاست مجلس پس از بررسی پاسخ دولت در نهایت نظر هیئت تطبیق قوانین مجلس مبنی بر اجرای مصوبه شورای عالی کار برای بازنشستگان سایر سطوح را جهت اجرا به دولت ابلاغ کرد. امیدواریم پس از ابلاغ دولت به سازمان

کمتر روزی است که بازنشستگان به شرایط غیر قابل تحمل حقوقها و زیست خود دست به اعتراض زنند. روز ۲۹ تیر شاهد ادامه اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، شوشتر و بهبهان بودیم که در اعتراض به عدم افزایش حقوقها و اجرای کامل همسان سازی و بی پاسخ ماندن خواستهایشان صورت گرفت. روز ۲۵ تیر نیز در همین رابطه بازنشستگان در ۲۵ شهر تجمع داشتند و با سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" و دیگر شعارهای کوبنده شان که کل حاکمیت را به چالش میکشد صدای اعتراضشان را علیه فقر و بی تامینی و کل بساط توحش و بردگی حاکم بلند کردند.

در تجمع روز ۲۹ تیر بازنشستگان در شوش شعار میدادند: "ظلم و ستم کافیست، سفره ما خالیست"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "وعده وعید چه خوب بود، ولی همش دروغ بود"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم. در اهواز نیز بازنشستگان مثل روزهای قبل در ادامه تجمع خود راهپیمایی کردند. آنها با در دست گرفتن بنری با نوشته "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون" بر تداوم

بازداشت و حکم بی شرمانه و وقیحانه شلاق مادران آبان محکوم است!

اعتراضات گسترده به هر شکل ممکن تحت فشار قرار دهیم تا مادران آبان و تمام زندانیان سیاسی، مدنی و عقیدتی را آزاد کند
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱ مرداد ۱۴۰۱ / ۲۳ جولای ۲۰۲۲

دادخواه و لغو حکم شنیع شلاق برای مادران دادخواه است. در برابر احکام وقیحانه شلاق جمهوری اسلامی و بازداشت فعالین، معترضین و دادخواهان باید ایستاد و با اتحاد و همبستگی در داخل و خارج از کشور حکومت تروریست اسلامی را با

اسلامی هر روزه و متحدانه دست در دست هم با دیگر دادخواهان و مردم معترض همراه شدند. بازداشت مادران آبان در حالیست که کمپین حجاب بی حجاب شکل گرفت و فعالین علیه حجاب اجباری به خیابان آمدند و حکومت متوحش اسلامی از وحشت اتحاد و همبستگی دادخواهان و معترضان دست به بازداشت‌های دست جمعی زده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ضمن محکوم کردن بازداشت مادران آبان و حکم بی شرمانه شلاق محبوبه رضانی، خواهان آزادی فوری مادران

در روز ۲۰ تیر پس از حمله نیروهای امنیتی به منزل مادران آبان و بازداشت محبوبه رضانی، رحیمه یوسفزاده و سکینه احمدی از مادران دادخواه آبان و بازداشت همزمان ناهید شیر پیشه، سمیه جعفر پناه، ایران الله یاری، مهرداد بختیاری و سعید دامور، حکم ۱۰۰ ضربه شلاق برای محبوبه رضانی مادر پژمان قلی پور از جانب‌اختگان آبان ۹۸ پس از چند روز منتشر شد. مادران دادخواه آبان که فرزندان‌شان توسط جمهوری اسلامی کشته شدند، نه تنها سکوت نکردند بلکه با اعتراضات مستمر و اعلام دادخواهی علیه رژیم قاتل



مادران دادخواه آبان را آزاد کنید

همبستگی های کارگری با کارگران معدن سونگون و آخرین وضعیت اعتراضات این کارگران

دستمزدها و دائمی شدن قرار داد ها است. کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگران ضمن قدردانی از اعلام همبستگی نهاد ها و تشکلات یاد شده، تاکید دارد که سه هزار کارگر معدن سونگون که اعتصابی قدرتمند را آفریدند با نیروی خانواده‌هایشان و حمایت و همبستگی مردم منطقه و با اتکاء به همبستگی های وسیع اجتماعی نیروی بزرگی را تشکیل میدهند که با اتکاء به آن میتوان فوراً بازداشت شدگان را آزاد کرد. یک راه گرد آوردن این نیرو اتکاء به مدیای اجتماعی و دخالتگری همه کارگران این معدن در روند مبارزه و تلاش برای شکل دادن به مجمع عمومی است. با گرد آوردن این نیرو کارگران میتوانند خواسته‌هایشان را نیز با قدرت بیشتری به پیش برند. کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران-۲۸ تیر ۱۴۰۱، ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۲

حزب کمونیست کارگری همواره بر روی این نکته تاکید داشته است. این همبستگی ها باید گسترده تر شود و با قدرت اعتراضات سراسری خود باید کارگران بازداشتی معدن سونگون را آزاد کنیم. اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به حقوق‌هایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، همچنین قراردادهای برده وار پیمانی موضوعات اعتراض کارگران معدن سونگون بوده ست. اما پیمانکاران مفتخور و مقامات دست اندر کار با اعلام اینکه طرح طبقه بندی اجرا شده و کاری نمیتواند بکنند، وعده دادن برای بررسی موضوع همسان سازی حقوقها و در کنار آن تهدید به اخراج و ادامه سرکوبگری‌هایشان تلاش کرده اند اعتراض کارگران را خاتمه دهند. این درحالیست که اعتراض واقعی کارگران معدن سونگون به سطح نازل حقوقها و سونامی گرانی است. پاسخ سردواندن های مقامات مسئول طرح مستقیم دو خواست افزایش

را برایتان پهن کرده اند، فقط به خرد جمعی و مجمع عمومی متکی شوید. کارگران بازداشتی باید آزاد شوند." سندیکای شرکت واحد نیز در همین رابطه بیانیه داده و ضمن اعلام خیر بازداشت کارگران معترض معدن سونگون از آنها اعلام حمایت کرده و مینویسد: "سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن اینکه حق اعتراض و اعتصاب را برای کارگران از حقوق مسلم شان میداند، ضمن حمایت از تمامی مطالبات بحق کارگران معدن مس سونگون، برخوردهای امنیتی و پلیسی با کارگران را بشدت محکوم میکند و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی معدن مس سونگون ورزقان میباشد." شورای بازنشستگان ایران در بیانیه ای با عنوان "اینجا میدان جنگ در سوریه و فلسطین نیست. اینجا اوکراین نیست. اینجا ورزقان است زیر گوش ماست!" و با هشنگ از کارگران سونگون حمایت کنیم، ضمن انتشار خبر اعتراضات این کارگران مینویسد: "شورای بازنشستگان ایران هجوم وحشیانه به کارگران معدن مس سونگون را قویاً محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بیقید و شرط کارگران بازداشت شده و پیگرد مسببان این تعرض به کارگران است."

دروغجویی های قوه قضاییه در باره زندانی بودن امید اسدیگی

سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری مورخ سه شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۱ اعلام کرده که امید اسدیگی از مهرماه سال قبل در حال تحمل کیفر است. ایشان دروغ میگوید زیرا بنا به اخبار موثق اسدیگی اصلاً به زندان نرفته است. اسدیگی بیرون از زندان است. منتظری دادستان کل کشور برایش شرایط ویژه در نظر گرفته و حتی پرونده اش را برای بررسی و صدور رای مجدد قبول کرده و به زودی رای بیست سال او شکسته خواهد شد. علت؟ اسدیگی ها به فرزندان منتظری دادستان کل کشور مبالغ میلیون دلاری رشوه داده اند. دست از دروغجویی بردارید چون ما دست شما را خوانده ایم! اگر ادعا میکنید امید اسدیگی در زندان است بگوئید او در کدام زندان و در کدام بند است؟ اگر در زندان است علت اینکه با خودروی

چهار نهاد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی، بازنشستگان صنعت چاپ و بازنشستگان شهاب خودرو در بیانیه ای مشترک از کارگران معدن سونگون اعلام حمایت کرده و مینویسند: "۴۲ سال است نه تنها به خواسته های مردم پاسخ مناسب داده نشده است بلکه پشت کردن به قانون از سوی قوه مجریه خشم مردم را فزونی بخشیده است. بی تردید حق گرفتنی است و این جنبش را سر باز ایستادن نخواهد بود." اتحاد سراسری کارگران و کل جامعه در برابر سرکوبگری های حکومت یک وجه مهم اتحاد مبارزتی بخش های مختلف کارگری و جنبش های اجتماعی در سطح جامعه است و کمیته آذربایجان

همانطور که قبلاً گزارش کردیم در چهارمین روز اعتصاب بزرگ کارگران معدن مس سونگون در هفته تیرماه، نیروهای سرکوب حکومت صف اعتراض این کارگران را مورد حمله قرار دادند و تعدادی را بازداشت کردند. بدنبال آن نیز دستگیری ادامه یافت و تا کنون بیش از ۲۰ نفر بازداشت شده اند. این سرکوبگری ها انعکاس وسیعی در میان بخش های مختلف کارگری داشت و مدیای اجتماعی به محل اعلام حمایت و همبستگی با کارگران سونگون تبدیل شد. در همین راستا تعدادی از تشکلهای و نهادها و جمع های کارگری طی بیانیه هایی ضمن اعلام حمایت از مبارزات و خواسته های کارگران سونگون، حمله و وحشیانه نیروی سرکوب به کارگران را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان گردیدند. اتحادیه آزاد کارگران ایران یک منبع انتشار هر روزه اخبار اعتراضات این کارگران بوده و از طریق شرکت در برنامه های تلویزیونی مختلف خبر رسانی کرد و سرکوبگری های حکومت اسلامی را محکوم نمود. جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی، بازنشستگان صنعت چاپ، بازنشستگان شهاب خودرو، بازنشستگان مستقل قزوین طی بیانیه هایی مستقل یا جمعی ضمن اعلام حمایت از کارگران معدن سونگون و اعتراضاتشان سرکوب و دستگیری این کارگران را شدیداً محکوم کرده اند.

خود بین تهران و شمال و خوانسار رفت و آمد کرده است چیست؟ چطور در زندان بوده اما در ماه های اخیر به راحتی به دادگاه های تهران رفت و آمد کرده، رشوه داده است و رای قضایی خریده است؟ آیا منظور شما از زندان تمام شهرهای ایران و جاده هاست؟ در اینصورت درست میگوئید چون همه ما زندانی هستیم و شما زندان بان و همه ما توسط شما گروگان گرفته شده ایم. قوه قضاییه اژه ای و منتظری در هماهنگی با صادقی در بیت رهبری که پدرهمسران فرزندان منتظری است با اسدیگی همدست هستند. رد این فساد گسترده از بیت رهبری-صادقی، دادستان کل کشور، رئیس قوه قضاییه و سایر مقامات قضایی مانند جعفری چکنی و حسینی پویا و سایرین پیداست. امید اسدیگی در زندان نیست و قوه قضاییه دروغ میگویند و حتی پرونده او را برای بررسی مجدد به دادگاه دیگری در تهران ارسال کرده اند. (برگرفته از مدیای اجتماعی، کانال مستقل کارگران هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه در ۲۴ تیرماه با عنوان از کارگران معدن سونگون حمایت می کنیم" منتشر کرده اند که در بخش پایانی آن چنین آمده است: "برادران و عزیزان معدن سونگون! درود بر شرف تان، درود به مبارزه قوی و خرد جمعی تان. جلوی این هارت و پورت ها را تنها با اتحاد و نقطه قدرت ما یعنی اعتصاب میتوان گرفت. مبارزه شما مورد حمایت ما کارگران هفت تپه و هر انسان شرافتمندی در سراسر ایران است. حال که این دامها

آخرین اخبار از معلمان دربند و از کارزارها

دیدار جمعی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) با خانواده‌های معلمان بازداشتی دیواندره و اعلام حمایت از ایشان - چهارشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۱
#امید_شاه_محمدی #پرویز_احسنی #هیوا_قریشی #کاوه_محمدزاده



سرکوبگری ها ایستاده اند. تشکلهای مختلف کارگری، بازنشستگان و نهادهایی چون کانون نویسندگان ایران طی بیانیه‌هایی مستقل و عمومی اعتراض خود را به این دستگیری ها و سرکوبگری ها اعلام کرده اند. در سطح جهانی نیز در این هفته اتحادیه کارگری سراسری آلمان با بیش از ۶ میلیون عضو، با کارگران و معلمان زندانی در ایران اعلام حمایت و همبستگی کرده اند.
کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۶ تیر ۱۴۰۱

از اردیبهشت تا کنون ۲۳۰ نفر از معلمان به خاطر مبارزاتشان بازداشت شده اند. در اعتراض به این سرکوبگری ها شمار بسیاری از آنان آزاد شده اند. اما بسیاری از این آزادی ها موقت و به قید وثیقه صورت گرفته است. هدف رژیم باز نگهداشتن پرونده های امنیتی به عنوان چماقی بر روی سر معلمان و کل جامعه است. در همین راستا است که معلمانی که دارای پرونده امنیتی هستند مرتباً به دادگاه احضار شده و مورد محاکمه قرار میگیرند. در حال حاضر ۱۹ نفر از معلمان در زندانند. اسامی آنها عبارتند از: رسول بدافی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، معصومه عسکری، هاله صفرزاده، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، هیوا قریشی، امید شاه محمدی، کاوه محمدزاده، پرویز

احسنی، مهدی فتحی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، محمد حسین سپهری

تعدادی از این معلمان از جمله رسول بدافی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، اسکندر لطفی در جریان پرونده سازی های امنیتی بعد از بازداشت ژاک پاری و سیسل کولر تحت عنوان همکاری با دسیسه جاسوسی بازداشت شده اند و الان نزدیک به دو ماه است که آنها در زندانند و تحت بازجویی های شدید قرار دارند. این افراد اجازه ملاقات ندارند. اجازه گرفتن وکیل ندارند و مدت بازداشت آنها مرتباً تمدید شده است. همراه با این پرونده سازی امنیتی حسن سعیدی، رضاشهابی و واله زمانی از فعالین کارگری و آیشا اسداللهی و کیوان مهدی از فعالین اجتماعی بازداشت شده اند. معلمان با کارزار گسترده مقابل این

همبستگی های بین المللی کارگری با معلمان دربند و کارگران زندانی

خدمات عمومی سوئیس (SSP)، سعید نعما دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگران در عراق - جوزف داهر، استاد مؤسسه دانشگاهی اروپا در سوئیس کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۹ تیر ۱۴۰۱

در اعتراض به دستگیریها، تشدید سرکوبگریها علیه معلمان و پرونده سازی های امنیتی تا کنون شماری از اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف جهانی از معلمان و کارگران زندانی اعلام حمایت کرده اند که لیستی از آنها را در زیر می بینید. این همبستگی ها ادامه دارد.

غلامرضا غلامی کندازی آزاد شد

روز ۲۹ تیر غلامرضا غلامی کندازی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس با قید وثیقه و با استقبال همکاران آزاد شد. آزادی کندازی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر بسته شدن پرونده امنیتی وی و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه کارگران، معلمان و تمامی زندانیان سیاسی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید دارد. وثیقه ادامه سرکوب و بازنگهداشتن پرونده زندانی و نگهداشتن چماق زندان بر سر اوست. وثیقه یک فشار مالی به خانواده ها و یک اخاذی آشکار است. وثیقه باید ممنوع شود.
کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۲۹ تیر ۱۴۰۱



- همبستگی بین المللی اتحادیه کارگری سراسری آلمان با بیش از ۶ میلیون عضو، - اتحادیه ملی کارمندان عمومی و عمومی (NUPGE) با ۴۰۰ هزار عضو مشتمل از ۱۱ جزء و ۳ اتحادیه وابسته در کنواسیون روز ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲ طی قطعنامه ای سرکوبگری های حکومت اسلامی در قبال معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی را محکوم کرده و خواستار اخراج حکومت اسلامی از سازمان جهانی کار آی ال او بخاطر سرکوبگریها و جنایاتش شدند.

- پنج سندیکای فرانسوی طی بیانیه ای اعتراض جمهوری اسلامی را محکوم و

خواستار آزادی تمامی کارگران و معلمان بازداشتی شدند.

- فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل: (آی تی اف) با کارگران معلمان زندانی اعلام همبستگی کرده و تشدید سرکوبها علیه آنان را محکوم کرد.

- کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسپانیا موسوم به کمیسیونهای کارگری با بیش از یک میلیون عضو با فعالین کارگری، معلمان، و مدافعان حقوق شهروندی در ایران اعلام همبستگی کرد

- استنفان سیچوسک، کل شورای اتحادیه های کارگران در ونکوور و حومه (VDLC)

- استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات عمومی

- تری مورینگ، رئیس فدراسیون معلمان بریتیش کلمبیا (BCTF)،

- فیلیپ مارتین، دبیر مرکزی اتحادیه



گزارش شبنم آشوری از وضعیت واله زمانی کارگر زندانی

واله زمانی یکی از کارگرانی است که در ماجرای پرونده سازی رسوای حکومتی بدنبال بازداشت دو فعال کارگری فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر، در نهم خرداد ماه با اتهام مسخره همکاری با دسیسه جاسوسی و اتهامات امنیتی دیگر از این دست بازداشت شد. واله زمانی در حال دستگیر شد که بدلیل بیماری حاد کبدی و گوارشی و تنفسی تحت درمان بود و بازداشت او و نگاهداشتن وی در چنین شرایطی برای وی خطر جانی دارد و این را برادر وی صابر زمانی و مادر وی فریده محمدی طی پیامهایی که داده اند، هشدار داده اند. اکنون شبنم آشوری از فعالین اجتماعی در مورد ماجرای فعالیت ها و مبارزات واله زمانی و علت دستگیری اش و اتهاماتی که به او زده شده در مدیای اجتماعی گزارشی میدهد که روشنگر است. او از وضع بد جسمانی واله زمانی و خطر ادامه بازداشت وی مینویسد. از جمله او در انتهای نوشته خود مینویسد: "در پایان لازم می‌دانم به این موضوع اشاره کنم که با توجه به بیماری‌های متعدد واله زمانی و عدم دسترسی به پزشک و خدمات درمانی مناسب، جان این فعال کارگری به خطر افتاده است و مسئولیت آن تماماً با نهادهای امنیتی و قضایی است. واله زمانی و تمامی فعالین صنفی و اجتماعی، باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند." (گزارش شبنم آشوری ضمیمه است).

گفتنی است که همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم در این پرونده سازی ها ۴ نفر از معلمان به اسامی شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، رسول بدافی و اسکندر لطفی و دو نفر از اعضای سندیکای

شرکت واحد به اسامی رضا شهابی و حسن سعیدی و سه فعال اجتماعی به اسامی آیشا اسداللهی، کیوان مهدی و ریحانه انصاری نژاد بازداشت شده اند. گفته میشود شما ر دیگری ا زفعالین کارگری نیز در همین رابطه تحت پیگرد بوده اند. اکنون همه این بازداشت شدگان نزدیک به دو ماه است در زندان آنها ممنوع الملاقات و مرتباً تحت بازجویی های فشرده و آزار و شکنجه قرار دارند. از آنها خواسته شده است که به اتهام مسخره همکاری با دسیسه جاسوسی و دیگر اتهاماتی که به آنها وارد شده اعتراف کنند و این بازداشت شدگان در اعتراض به ادامه بازداشت ها به اشکال مختلف و با اعتصاب غذا دست به اعتراض زدند.

در شرایطی که جنبش معلمان به یک سنگر مهم جنبش کارگری تبدیل شده و جنبش کارگری با قدرت در جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار گرفته است جمهوری اسلامی با تشدید سرکوبگرها و سناریوسازیهای رسوا، تلاش دارد با آن مقابله کند. اما کارزار سراسری در اعتراض به این سرکوبگری ها و انعکاس جهانی آن تا همین جا هزینه سنگینی برای حکومت اسلامی داشته است. اتحاد جنبش های مبارزاتی در برابر سرکوبگرهای حکومت اسلامی و برپایی کارزاری مشترک و سراسری برای آزادی همه معلمان زندانی، کارگران بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی یک گام مهم برای بازکردن در زندانها و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است.

شبنم آشوری در مورد واله زمانی مینویسد:

"واله زمانی کارگر ساختمانی، نقاش و

فعال کارگری، سالها در بخش‌های مختلف فعالیت داشته است. چندین سال کار در عسلویه و مناطق نفتی که با توجه به فقدان ایمنی در محیط کار آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سلامت وی وارد کرده و در عین حال تلاشی مداوم برای ایجاد تشکل کارگری و احقاق حقوق کارگران به‌منظور افزایش رفاه، امنیت شغلی، افزایش قدرت چانه‌زنی، کاهش ساعت کار، افزایش دستمزد متناسب با میزان تورم و خلاصه ارتقای زندگی کارگران به سطحی در شان انسان. در طول این سالها واله زمانی در حالی که برای معیشت خود در مناطق مختلف کار کرده است، دغدغهی اجتماعی و انسانی خود را نیز دنبال کرده است.

او در این سالها به‌طور دائمی از جانب کارفرما و نهادهای امنیتی مورد آزار و اذیت و محدودیت و بازداشت قرار داشته، چندین بار اخراج از کار، عدم پرداخت کامل مطالبات مزدی، دستگیری و بازداشت‌های طولانی مدت پاسخ دولت‌ها و کارفرمایان به فعالیت‌های کارگری واله زمانی بوده است. در چند ماه اخیر وی به‌واسطه‌ی آلودگی محیط‌های کاری دچار بیماری‌های تنفسی و ریوی شده و ماه‌ها درگیر عمل جراحی و بازبایی سلامت جسمانی خود بوده است.

در ایام منتهی به روز کارگر وی که در راستای پیگیری مطالبات و خواسته‌های کارگران با سایر فعالین کارگری و سندیکایی که به ایران سفر کرده بودند دیدار کرده و در مورد مصائب و مشکلات و ستم‌های روا شده به کارگران ایران و سایر نقاط جهان به بحث و گفتگو پرداختند. دولت با اتکا به دستگاه امنیتی در عوض حل مشکلات معیشتی کارگران اقدام به دستگیری و پرونده سازی برای واله زمانی و سایر فعالین صنفی و

اجتماعی کرده و با اعمال فشار و نگهداری او در سلول انفرادی در پی تهیه سناریویی سوخته برای فعالین هستند. ماه‌ها نگهداری این افراد در سلول انفرادی تلاشی مذبوحانه از جانب حاکمیت برای خنثی کردن اعتراضات و مطالبه‌گری کارگران و سایر بخش‌های جامعه است. اما افرادی چون واله زمانی به واسطه‌ی شرایط موجود و افکار و اندیشه‌های انسان دوستانه، در تمامی کشور حضور دارند و مدام در جهت تغییر وضع موجود تلاش می‌کنند.

در پایان لازم می‌دانم به این موضوع اشاره کنم که با توجه به بیماری‌های متعدد واله زمانی و عدم دسترسی به پزشک و خدمات درمانی مناسب، جان این فعال کارگری به خطر افتاده است و مسئولیت آن تماماً با نهادهای امنیتی و قضایی است. واله زمانی و تمامی فعالین صنفی و اجتماعی، باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند." (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همصدا با شبنم آشوری و خانم فریده محمدی مادر واله زمانی و برادرش واله صابر زمانی، از ادامه بازداشت واله زمانی ابراز نگرانی کرده و جمهوری اسلامی را در قبال جان این فعال کارگری مسئول میدانند. واله زمانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و تحت درمان قرار گیرد. تمامی دستگیر شدگان این پرونده از جمله دو فعال کارگری فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و پرونده سازیهای جعلی و مسخره علیه آنها باطل اعلام گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (Free Them Now)

۱۱ تیر ۱۴۰۱ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۲

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com>





اعتصاب ما داربست بند ها یک شروع خوب

اول تیر بود که ما کارگران داربست بند (اسکافلد بند) با مطالبه افزایش حقوقها و بیست روز کار و ده روز استراحت وارد اعتصاب شدیم.

اعلام اعتصاب سراسری کرده بودیم و در مجموع در یازده مجتمع پتروشیمی و در بیش از بیست شرکت پیمانکاری همکاران وارد اعتصاب شدند.

بنا بر تخمینی که داشتیم حدود سه هزار نفر به اعتصاب پیوستند و این اتفاق مهمی بود. بخصوص اولین بار بود که اعتصابی در چنین ابعاد در میان ما کارگران داربست بند برپا شد.

نکته قابل توجه این بود که جماعتی که در این دو سه ساله به عنوان "کمپین" تلاش

میکند فضای اعتراض در میان کارگران نفت را به اشکال مختلف مدیریت کنند و

اوضاع را تحت کنترل خود داشته باشند دستی در این اعتصاب نداشتند. چون بنا

بر مذاکرات پشت پرده به این توافق رسیده بود که تا سال ۱۴۰۲ کمپینی اعلام نکنند

و این قول و قرار را در حالی گذشته بودند که اتفاقا گرانی ها بیشتر شده و کل جامعه

اعتراض علیه سونامی گرانی بالا گرفته است. بعلاوه هنوز خیلی جاها با همان ساعت شیفت کاری سنگین ۲۴ روز کار

هستیم. خواستار استفاده از امکانات درمانی رایگان در نفت و ارتقای خدمات درمانی هستیم و اینها خواستههای همه کارگران نفت است. همین الان همکاران رسمی ما در نفت بیانیه داده و علاوه بر مطالبات مزدی خود بر همین خواستها تاکید کرده اند. بویژه یک نکته مهم برای همه ما کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای کاری است. اعتصاب ما در اول ماه تیر؛ ما را در موقعیت خوبی برای پیگیری خواستههای پاسخ نگرفته مان قرار داده است و همین جا میگویم که ما از اعتراضات بخش های مختلف کارگران در نفت از جمله همکاران رسمی اعلام حمایت و پشتیبانی میکنیم.

شورای اعتراضات کارگران پیمانی نفت برگرفته از مدیای اجتماعی

پیمانکاری موسوی ۲۰ میلیون

پیمانکاری راکی ۲۰ میلیون

پتروشیمی هنگام ۲۲ میلیون

با جرات می توان گفت اکنون هیچ کارگر داربست بندی نیست که با مزد سابق یعنی ۱۶ میلیون به کار برگشته باشد. هر چند که گفته بودیم که مزد داربست بند نباید از ۲۵ میلیون کمتر باشد اما با اتکاء به موفقیت نسبی ای که بدست آوردیم تصمیم گرفتیم همه سر کار برگردیم و با اتکاء به این اولین تجربه ای که پیدا کردیم خود را برای دور بعدی اعتراضاتمان آماده کنیم. ما همچنان خواستار افزایش حقوق هایمان هستیم. خواهان تسهیلات لازم معیشتی و رعایت کامل ایمنی محیط کارمان هستیم. خواستار غذای با کیفیت و خوابگاههای قابل زندگی

مرداد خانم سمانه عابدینی و خدیجه پاک ضمیر همسران دو معلم زندانی جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی موفق به ملاقات با این عزیزان شدند. بنا بر خبر آنها از بند ۲۴۰ به بند ۲۰۹ و اطاقهای دو یا چند نفره منتقل شده و بازداشت آنها سه هفته دیگر تمدید شده است. محمد حبیبی به همراه جعفر ابراهیمی و رسول بداتی صبح ۱۰ اردیبهشت ۱ یک روز قبل از تجمع یازده اردیبهشت بازداشت شده بودند. اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه به همراه معلمان نامبرده شده، در بلا تکلیفی در زندان اوین بسر می بردند. قرار بازداشت آنها طی سه بار تمدید ۳۰ روزه، ۱۰ مرداد ۱۴۰۱ به پایان خواهد رسید. شورای هماهنگی ضمن گزارش این اخبار خواستار آزادی هر چه سریعتر معلمان زندانی شده است.

ملاقات خانواده های سه معلم بازداشتی مسعود نیکخواه با عزیزانشان

صبح روز پنجشنبه ۳۰ تیرماه، خانواده ی سه معلم بازداشتی شعبان محمدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه (که کماکان در بند امنیتی زندان اوین محبوسند و به بند عمومی منتقل نشده اند)، توانستند با این معلمان در بند ملاقاتی کابینی و غیر حضوری داشته باشند. این دومین ملاقات این سه معلم در بند با خانواده هایشان در طول حدود سه ماه بازداشت آنان است. اسکندر لطفی، از پروسه ی رسیدگی به پرونده به شدت ابراز نارضایتی کرده بود. وی همچنین خاطر نشان کرده بود که اگر این پروسه همچنان نامشخص و غیرقانونی پیش برود، مجدداً به اعتصاب غذا دست خواهد زد.

شنیدن خبر حمایت تمام قد جامعه فرهنگیان و سایر فعالان و عموم مردم از فعالین معلم بازداشتی، خوشحالی و قوت قلب زایدالوصفی برای آنان ایجاد کرد از تمامی افرادی که در این مدت از آنها حمایت می کنند تشکر و قدردانی نمودند. (کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان)

خبر ملاقات جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی با همسرانشان

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز سوم





یک همکارمان را از دست دادیم

حوادث محیط ناامن کار مرتب از ما کارگران قربانی میگیرد.

شامگاه این روز محمد صادقی به همراه تیم مکانیک و یک دستگاه جرثقیل برای انجام کاری در منطقه عملیاتی پالایشگاه سوم حضور پیدا کرده و با وجود اینکه واحد ایمنی پالایشگاه مجوز داده بود که سیستم بدون گاز است و برای تعمیر آماده است، در اثر تماس گاز ناشی با موتور جرثقیل که روشن بوده و در حال عملیات بوده، انفجار صورت میگیرد.

در این حادثه محمد که در نزدیک ترین نقطه به مخزن گاز زیر زمینی بوده دچار سوختگی شدید می شود و دو همکار دیگرمان از گروه ریگر و مکانیک دچار سوختگی های سطحی میشوند. دو نفر دیگر در بهداری و بیمارستان عسلویه به صورت سرپایی مداوا میشوند و محمد جهت رسیدگی وضعیت در بیمارستان سوانح سوختگی شیراز بستری می شود که متأسفانه بعد از حدود ۵ روز در اثر شدت جراحت و عفونت جان خود را از دست میدهد. درگذشت محمد صادقی را به خانواده محترم او و به همکاران تسلیت میگوییم. نباید اجازه دهیم این نوع حوادث ناگوار تکرار شود و جان کارگر را

پیمانکاران و کارفرماها کارمان را میخواهند اما جانمان برایشان ارزشی ندارد.

همکارمان بنام محمد صادقی از روستای چاه نو، منطقه ده شیخ از توابع شهرستان لامرد واقع در جنوب استان فارس بود. منطقه ای صنعتی در مجاورت منطقه بزرگ اقتصادی پارس جنوبی عسلویه.

محمد که فقط ۳۵ سال داشت در پالایشگاه سوم مجتمع گاز پارس جنوبی، واحد تعمیرات مکانیک در گروه ریگر (راهنمای جرثقیل) اشتغال به کار داشت. او حدود ۱۵ سال در این شغل فعالیت داشته و متاهل و دارای فرزند بود و معیشت خود را از این طریق تامین مینمود. اما محمد صادقی مثل سایر پرسنل شرکتی تعمیرات پالایشگاه سوم، با سرکار آمدن پیمانکار جدید از تاریخ ۲۰ اردیبهشت سال جاری، بدون قرار داد کتبی و تحت فشار کارفرما به اجبار این مدت دومه (تاروز حادثه) به کار مشغول بود. حادثه روز ۲۵ تیرماه صورت گرفت.

زیست محیطی و خطر انفجار و حوادث این چنینی تهدیدی روزانه و بالفعل محسوب شده در حالی که کارگران این مجموعه با بی قانونی درگیر تامین معیشت خانواده با حداقل دستمزد و با بهای جان خود با سیستم برده داری به کار گرفته میشوند. وقتی که کارگر متحد نباشد و تشکل های مستقل خود را نداشته باشد کسی نیست که از جانب کارگران وضعیت ایمنی محلهای کار را کنترل کند و کارفرماها هر جور دلشان خواست از کارگران کار میکشند و با جان ما بازی میکنند. این وضعیت را میتوانیم با اتحاد و همبستگی و اعتراضاتمان تغییر دهیم. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت- برگرفته از مدیای اجتماعی

بگیرد. نکته قابل تامل ماجرا، نوع بکار گیری نیروهای تعمیرات مکانیک و شرکتی هست که با سیستم زور و با روش برده داری تحت هر شرایطی مجبور به انجام کار و پاسخگویی به سرپرستی واحد تعمیرات جهت انجام خواسته های ایشان است. نتیجه سالها فشار بر نیروهای شرکتی که بصورت غیر مستقیم در چارت پالایشگاه مشغول به کار هستند این است که کارگر بدون قرارداد و حقوق و مزایای نا مشخص مجبور به انجام کاری است که هر لحظه جان او را تهدید میکند. پالایشگاه های رو به فرسودگی پارس جنوبی در مجاورت خلیج فارس با رطوبت منطقه ای به شدت برای ساکنان منطقه و نیروهای شاغل از لحاظ آلودگی



کارگران فولاد چه میخواهند و چه نمیخواهند

مشکل شوند بدون اینکه اجازه دهند اداره کار بهانه ای برای ایجاد شورای اسلامی در این مجتمع بزرگ کارگری پیدا کند. دعوی جناح های سیاسی و طرفداری این نماینده مجلس از مدیر عامل کارخانه و یا اختلاف آن آیت الله با مدیرعامل مربوط به کارگران نیست. کارگران حاضر نیستند بازیچه این مفتخور و آن مفتخور ضد کارگری شوند.

از کارگران پیشرو که از این اختلافات و دعواها اطلاع کافی دارند و در عین حال تا کنون هوشیارانه در مقابل ایجاد شورای اسلامی در فولاد ایستاده اند، انتظار میرود که فعالانه نقش ایفا کنند و اجازه ندهند خواسته های بحق کارگران از جمله خواست افزایش دستمزد بازیچه عناصر وابسته و مقامات ضد کارگر بشود.

جمعی از کارگران فولاد در دومین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان، دست به تجمع زدند و از جمله برخواست طبقه بندی مشاغل که مختصر حقوقی به آنها اضافه میکند تاکید کردند...

اجرای طبقه مشاغل طبق قانون کار ضد کارگری موجود، مشروط بر ایجاد شورای اسلامی است. اکثریت کارگران دو سال است در مقابل ایجاد شورای اسلامی مقاومت کرده و بساط آن را بهم زده اند و زیر بار ایجاد این نهاد ضد کارگری و دست ساز حکومت نرفته اند.

خواست واقعی کارگران فولاد مثل بقیه کارگران و معلمان و بازنشستگان افزایش دستمزد بالای خط فقر است یعنی خیلی بالاتر از ۱۶ میلیون تومان. این خواستی است که همه کارگران میتوانند حول آن

برای متحد شدن و تحمیل خواست های آنان قرار خواهد داد. (برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری)

انتخاب نمایندگان واقعی بخش های مختلف این مجتمع و اتکا به اداره شورایی، کارگران را در موقعیت مناسبی

اعتصاب رانندگان شرکت فولاد خوزستان در اعتراض به

مشکلات معیشتی

شماری از رانندگان ناوگان حمل و نقل کارکنان شرکت فولاد خوزستان، طی روزهای اخیر در اعتراض به سطح نازل حقوقها و معضلات معیشتی خود دست به اعتصاب زدند...



گزارشی درباره جنایت های اتفاق افتاده در ام.دی. اف هفت تپه

سیستم برده داری در حال اجراست. مقامات محلی و شهرستان هم خبر دارند و کاری نمیکنند.

من در چند ماه اخیر با چندین نفر از این همکاران صحبت کردم. تعدادی اخراج شدن و تحت فشار اقتصادی قرار گرفتن چونکه از حقوق همکاران خودشان دفاع کردن. در این چند وقت با چندین کارگر دیگر در ام.دی. اف حرف زدیم و وضعیت خانوادگی اون کارگران اخراجی رو می بینم و با چندتا شون حرف زدیم. وضعیت به قدری دردناکه که مشاهده کردیم یکی از کارگران دست به خودکشی زد. باید برای این وضعیت برده داری در ام.دی. اف اقدامی جدی کرد. از نمایندگان مستقل کارگری، همکاران در بخش های مختلف شرکت، مدیران شرکت، رسانه ها و هر کسی دستش میرسه درخواست میکنم به داد این کارگران اخراجی و همبطنور سایر کارگرانی که در کارخانه اشغالی ام.دی. اف تحت سیستم برده داری طاهرخانی گرفتار هستند اقدامی بکنند. به همکاران خودم در کارخانه و همبطنور سایر همکاران در سایر ادارات هم این رو میگم که باید برای همکاران مظلوم ام.دی. اف و خلع ید طاهرخانی و رفع اشغال کارخانه ام.دی. اف کاری کنیم. برگرفته از مدیای اجتماعی کانال مستقل کارگران هفت تپه

طاهرخانی نهایتا تعداد ده نفر از کارگران که از حق و حقوق سایر همکاران دفاع میکردند رو اخراج کرد. تعدادی از کارگران هر روزه به دم شرکت مراجعه میکردند و این رحیم ملیانی که خودش عرب است وقتی کارگران باش عربی حرف میزدند به فارسی جواب میداده. در حالی که همه عرب بودند. مساله این بوده که میخواستند صدای اینها رو ضبط کنه برای طاهرخانی بفرسته. در واقع اینجا ثابت میشه بحث کارگری ربطی به عرب و عجم و لر نداره. این آقا که همزبان کارگران اخراجی بود با کارفرما همدست شده بود. ایشون جاسوسی میکرد و حرفای کارگران رو ضبط میکرد و برای کارفرما میفرستاد. به فارسی جواب کارگر رو میداد که کارفرما بعدا که گوش میکنه متوجه بشه. به طوری هم جواب میداده که طرفداری از طاهرخانی باشه و به همین ترتیب علیه کارگران اقدام میکرد و آدم فروشی به نفع طاهرخانی میکرد.

خلاصه این کارگران ام.دی. اف که اخراج شده بودند هر چی پیگیری کردند به نتیجه ای نرسید و طاهرخانی برخلاف قول هاش، نه تنها دستمزد رو اداره کاری نکرد و قرارداد رو تمدید نکرده بود بلکه این افراد رو اخراج هم کرده بود.

در تمام این مدت که این کارگران از زمین خالی این کارخانه رو ایجاد کردند، طاهرخانی تحت فشار قرارشون داده، بشون دستمزد حتی کمتر از اداره کار داده، قرارداد رو درست نبسته و عده ای رو اخراج هم کرده از عده ای هم تعهد گرفته که اعتراض نکنن. در ام.دی. اف یک

رس این کارگران نبود و اونها به ناچار صبوری میکردن که بلکه بعدا استخدام بشن و حقوق شون اداره کاری بشه. کارگران شاغل در ام.دی. اف تصمیم گرفتند یکی را به عنوان نماینده بفرستند که با طاهرخانی صحبت کنه. بعد از اینکه صحبت کردن اونها قبول نکردن حقوق رو اداره کاری کنن و قرارداد ها رو درست کنن. دایما وعده میدادند ولی هیچ وقت عمل نمیکردند.

بعد یک اتفاقی افتاد که طاهرخانی بهانه کرد و آزار و اذیت های جدید علیه کارگران مظلوم ام.دی. اف شروع شد. یک قطعه از دست یک کارگر می افته و آسیب می بینه. شاکر کثیر زنگ میزنه به جند تا از کارگران و میگه همه شماها خیانت در امانت کردید که آسیب زدید. اولاً همه کارگران این کار رو نکردند بعد اون کسی که این کار رو کرده بی تقصیره. چطور وقتی اون همکاران کار بنایی کردن، عمرانی کردن، تاسیساتی کردن کار مکانیکی کردن و همه کار کردن و یک کارخونه به ارزش صد ها میلیارد رو براشون درست کردن حتی حقوقشون رو نداد اما الان که یک خسارت جزئی رسیده، کارگر شده مسئول این خسارت؟

اینها چرا نه حقوق دادن و نه آموزش دادند؟ مسئول هر اتفاقی در کارخانه با کارفرما است نه کارگری که چون کنده و هر کدام از این همکاران صد ها میلیون ارزش براشون تولید کردن حالا چطور با یک خسارت جزئی باید تیبیه بشن؟

طاهرخانی علیه همکاران ما در ام.دی. اف سیستم برده داری راه انداخته. شاکر هم به چند نفر گفته بود که من میخوام پشت شما نباشم و برم سمت طاهرخانی که خودم رو بشون نزدیک کنم که مطمئن باشم امنیتی شغلی دارم و در اصل بقیه همکارا رو فروخت. حتی گفته بود که رسم دنیا اینه که همکار رو بفروشی که بشه به مقام برسی!

خود طاهرخانی به چند نفر از کارگران میگه الان چون برج پنج هستیم و فعلا شما قرارداد دارید برید تا من تکلیف این قطعه رو روشن کنم. در اصل داشت بهانه جور میکرد که برخورد های برده دارانه ش رو با کارگران تشدید کنه.

با سلام. در کارخانه ام.دی. اف هفت تپه جنایاتی اتفاق افتاده که اکثر ما با خبر نیستیم. فقط اخیرا که یک همکار خودکشی کرد مقداری توجه ها جلب شد. اتفاقاتی می افته که تمام مسئولین شهرستان هم خبر دارن اما هم دست هستند با طاهرخانی و علیه کارگران مظلوم ام.دی. اف. من کارگر کارخانه هستم و در چند ماه اخیر با تعدادی از کارگران ام.دی. اف صحبت کردم و فکر کردم وظیفه دارم بگم که چه بلاهایی سر این همکاران اومده. این #گزارش رو در گروه واتساپی خودمون میذارم لطفا برای سایر همکاران بفرستید و در کانال ها و گروه ها منتشر کنید.

کارگران ام.دی. اف از ابتدا که اونجا زمین خاکی بود تا وقتی که به بهره برداری رسید زحمت کشیدند و اونجا رو ساختند. کارهای فنی، عمرانی، جوشکاری، مکانیکی و تاسیساتی و همه چیزش رو همین کارگران هفت تپه و منطقه انجام دادند. به وعده های محسن طاهرخانی و پدرش که وعده میدادند اگر کارخانه به تولید برسه تمام حق و حقوق کارگر و مزایا رو میدن و الان باید کارگر تحمل کنه. میگفتن میدونیم حقوق شما حتی از اون حقوق بخور نمیر اداره کار هم کمتره ولی بعدا جبران میکنیم فقط بنذارید به تولید برسیم. از این کارگران مظلوم حسابی کار کشیدند. وقتی کارخانه به تولید رسید زدن زیر همه چیز. ملیانی یک کارایی میکرد که در شان یک هفت تپه ای نیست اما این همکاران مظلوم ما در ام.دی. اف میگن که مجبور میشدند تحمل کنند.

وقتی کارخانه به بهره برداری رسید کارگران به طاهرخانی گفتند حقوق ما رو اداره کاری کن و قراردادمون رو درست کن. طاهرخانی هم همیشه بشون میگفت حتما میکنم اما امروز و فردا میکرد. در اصل نقشه ش این بود که وقت کشی کنه که خرش از پل بگذره. اما بعدا مشخص شد که هدف شوم دیگری داره و این بود که به مرور زمان بفهمه کیا دنبال حق و حقوق کارگر هستند و اونها رو اخراج کنه. مقامات شوش هم که همراه با اسدیگی و رستمی و طاهرخانی بودند و کسی فریاد

<p>ماهواره یونلست فرکانس: ۱۱۳۸۷ پولاریزاسیون: عمودی سیعبل ریت: ۲۷۵۰۰ اف ای سی: ۵/۶</p>	<p>ماهواره پاه ست فرکانس: ۱۱۷۶۶ پولاریزاسیون: عمودی سیعبل ریت: ۲۷۵۰۰ اف ای سی: ۷/۸</p>	<p>KANAL JADID کانال جدید</p> <p>پخش زنده آنلاین: پخش زنده newchannel.tv/live/tv فرکانس های تلویزیون کانال جدید در ماهواره های:</p>
---	---	---

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com